

امکان سنجی بازنگری در الزام قانونی پوشش، با تکیه بر دوگانه پوشش ایجابی و سلبی اسلام

عبدالله بهارلویی^۱ - علیرضا جعفرزاده بهاءآبادی^۲

چکیده

پوشش و پوشیدگی همواره استوار بر عوامل فطری، مادی، عقلی و دینی در حیات بشر جریان داشته است و افراد انسانی در خور فرهنگ و عرف خود و به منظور تأمین اهدافی، پیوسته دارای پوشش بوده‌اند. دین اسلام نیز نه برای اصل پوشش بلکه برای حدود آن ضوابط خاصی تعیین کرده است. ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برآمده از فقه امامیه و مبتنی بر اولویت هنجار شرع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای ارتکاب فعل حرام به صورت عام و کشف حجاب زنان به صورت خاص اقدام نموده است. حجاب در این ماده صرفاً به جنبه ایجابی پوشش بانوان اشاره دارد و پوشش‌های سلبی اسلام یعنی پوشش «محرک جنسی»، «مروج فرهنگ بیگانگان»، «جنس مخالف»، «شهرت»، «طلا و ابریشم برای مردان»، «زینت‌های آشکار و نپوشاندن آرایش‌ها»، «تهیه شده از چرم غیر مذکی»، «ناقص»، «حرام به حکم ثانوی» و نیز «پوشش ملازم با گناه» عمدتاً از نظر دور می‌ماند.

پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی، به این نتیجه رسیده است که اگر بخش‌هایی از پوشش سلبی اسلام خارج از مدار الزام قانونی قابل تصور است، می‌توان بخش‌هایی از پوشش ایجابی اسلام را نیز خارج از مدار الزام قانونی و جرم‌انگاری فهم نمود و این داده را در عرصه تقنین و

۱. سطح ۴ فقه و اصول و دکتری فلسفه حقوق. استاد یار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

اجرا، اعتبار بخشید.

واژگان کلیدی: حجاب، پوشش در فقه، پوشش ایجابی، پوشش سلبی، قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۳۸

مقدمه

قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است^۱ که طی آن، برخی رفتارها «اعم از فعل یا ترک فعل»، جرم‌انگاری و برای آنها مجازات تعیین شده است. از جمله مواد مهم و چالشی این قانون، ماده ۶۳۸ (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی است که عموماً ارتکاب فعل حرام در اجتماع و خصوصاً نداشتن حجاب برای زنان را جرم و دارای مجازات دانسته است. ماده مذکور تصریح می‌کند: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۲/۰۰۰/۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

پیدا است که «عمل حرام» طیف گسترده‌ای از افعال را در برمی‌گیرد که هرآینه دایره آن نیز می‌تواند رو به توسعه و تضییق نهد، اما در این بین به نظر می‌رسد که تصریح به کشف حجاب بانوان، از باب ذکر خاص بعد از عام و برای تأکید بر اهمیت احکام

۱. ماده ۱ قانون مجازات اسلامی

و سلبی اسلام

پوشش اسلامی در سطح جامعه انجام گرفته است. استوار بر این، با فرض «اجتماعی بودن احکام و مقوله پوشش» می‌توان این پرسش را مطرح نمود که «آیا می‌توان با نگاهی جامع‌تر به احکام فقهی پوشش (از مجرای در نظر گرفتن بعد سلبی آن)، رویکرد لزوم الزام قانونی پوشش اسلامی را مورد بازبینی قرار داد؟» پاسخ مثبت به این پرسش، این نتیجه را به دنبال خواهد داشت که «اگر بخش‌هایی از پوشش سلبی نیازمند جرم‌انگاری نیست، می‌توان همین نتیجه را درباره بخش‌هایی از پوشش ایجابی نیز گرفت.»

بررسی کلان احکام الزامی ایجابی و سلبی پوشش در فقه امامیه، این امکان را برای قانون‌گذاران و مجریان قانون از جمله قضات فراهم می‌آورد که با رویکرد فقهی جامع و واقع‌بینانه‌ای، در حوزه‌های مرتبط به خود تجدید نظر کنند. لذا، لزوم توجه تقنینی و قضایی به ابعاد سلبی فقه در حوزه پوشش، بن‌مایه ضرورت این پژوهش به‌شمار می‌رود.

هرچند تاکنون پژوهش‌های خوبی در خصوص بررسی ابعاد مختلف پوشش اسلامی از جمله مبانی، آثار، چرایی الزام و... انجام گرفته است، اما بررسی حدود و مصادیق آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که این پژوهش‌ها تقریباً جملگی بر بُعد ایجابی پوشش اسلامی بانوان تمرکز دارند که برای نمونه می‌توان به مقاله «حدود پوشش در آموزه‌های دینی (قرآن و روایات)» اثر «فاطمی» و «جمشیدی حسن‌آبادی» (۱۳۹۶) اشاره نمود. از این رو، مقاله حاضر که بررسی بُعد سلبی پوشش اسلامی را پرتو تقنین، اجرا و دادرسی را در نظر دارد، در نوع خود بدیع و کاربردی به‌شمار می‌رود.

در ادامه ابتدا به مفهوم‌شناسی پوشش ایجابی و سلبی در اسلام و شناسایی مصادیق پوشش سلبی پرداخته می‌شود و سپس مبتنی بر این ماده ۶۳۸ مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱. پوشش ایجابی و پوشش سلبی در اسلام

فقه اسلامی دانشی است که «افعال مکلفین» را از حیث بایدها و نبایدها سامان می‌دهد و این دو حوزه با مفاهیم «واجب» و «حرام» بیان می‌شوند. واجب عملی است که انجام آن لازم و ترک آن گناه و مستوجب عقاب است؛ در مقابل، حرام عملی است که انجامش ممنوع بوده و ترک آن الزام دارد. از این رو، افعال مکلفان هم دارای جنبه ایجابی (الزام به انجام) و هم جنبه سلبی (الزام به ترک) است. بر همین اساس، در بحث پوشش نیز می‌توان از «پوشش ایجابی» و «پوشش سلبی» سخن گفت. پوشش ایجابی یا واجب، پوششی است که زنان و مردان با توجه به موقعیت‌هایی مانند خلوت و اجتماع و نیز نسبت ناظر (محرم یا نامحرم) باید رعایت کنند؛ متون فقهی برای مردان عمدتاً پوشاندن نواحی شرمگاهی و برای زنان پوشش تمام بدن به استثنای وجه و کفین را ذکر کرده‌اند. در مقابل، فقه اسلامی برخی گونه‌های پوشش را برای مکلف حاضر در اجتماع ممنوع می‌شمارد که در این نوشتار از آن با عنوان «پوشش سلبی» یا «پوشش منهی» یاد می‌شود. در ادامه، ده عنوان از پوشش‌های سلبی معرفی می‌گردد که نویسندگان آن‌ها را تا حد زیادی حصری می‌دانند. برخی موارد خاص مانند پوشش‌های نهی شده در احرام، به دلیل تمرکز بر بُعد اجتماعی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، محور بحث قرار نمی‌گیرد.

۱.۱. پوشش محرک جنسی

از نظر فقه اسلامی، این مسئله امری مسلم است که هرگونه پوششی که موجب تحریک جنسی دیگران در جامعه گردد، اشاعه فحشا،^۱ اعانه در گناه^۲ و در نتیجه،

۱. سوره نور (۲۴)، ۱۹.

۲. سوره مائده (۵)، ۲.

و سلبی اسلام

غیرمجاز به شمار می‌رود. بدین ترتیب پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان، بدن‌نما و نازک، دارای رنگ‌های تند^۱ و موجب جلب توجه و ... محل اشکال است. در عبارات برخی از فقها تأکید شده است که هرگونه رفتار از قبیل استفاده از لباس‌های تنگ که توجه مردان به خصوصیت جنسی زنان را برمی‌انگیزد، حرام است (شمس‌الدین، ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۸۷). مرحوم سبزواری^(۵)، نهی از نرم و نازک صحبت کردن زنان در آیه ۳۲ سوره احزاب را، به دلیل التذاذ و تهییج جنسی دانسته است که می‌توان با دلایل فراوان دیگر^۲ این مناط را تنقیح کرده و به مسئله پوشش نیز تعمیم داد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۸۱).

مراجع تقلید معاصر نیز تصریح می‌کنند که «پوشیدن این نوع لباس‌ها (یعنی لباس‌های تنگ و تحریک‌کننده، که برجستگی‌های بدن زن در آن پیدا است) جایز نیست و باید آنان را با چادر یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشاند.» (برای نمونه: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۱۸۲-۱۸۰) آیت‌الله خامنه‌ای، مرجع تقلید و ولی فقیه عصر حاضر، در بیان نظر خود می‌گوید: «آنچه که پوشیدن آن با عفت و اخلاق اسلامی منافات داشته باشد ... واردات و خرید و فروش و پوشیدن آن جایز نیست.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۴۰۳) طبیعتاً به دلالت التزامی و قیاس اولویت، پوشیدن این‌گونه لباس‌ها نیز جایز نخواهد بود.

پیشینه و مناط این دیدگاه فقهی را می‌توان به وضوح، در لابه‌لای متون فقهی پیرامون بحث «تشبیب»^۳ یافت. شیخ انصاری^(۵) معتقد است، «علت» احکامی مانند حرمت

۱. هرچند اسلام رنگ خاصی را در پوشش الزام نکرده است، اما فقها از هرگونه جلب توجه نامحرم نهی کرده‌اند (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶).

۲. برای نمونه: ابن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۲، ص ۹۷.

۳. تشبیب عبارت است از سخن گفتن درباره زیبایی زنان و اظهار شدت علاقه به آنان در قالب شعر. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۸)

نگاه به زن نامحرم، کراهت نشستن در محل نشستن وی پیش از سرد شدن، حرمت خلوت با مرد بیگانه، نهی از نازک کردن صدا در گفت‌وگو با مردان بیگانه و نهی از کوبیدن پا بر زمین برای اعلام زینت‌های پنهان، چیزی جز جلوگیری از تحریک قوای شهوانی در مردان نیست (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۹). همچنین مرحوم سبزواری^(۵) به استناد آیه شریفه «... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...»^(۶)، حمل احکام مزبور بر تعبد محض را بعید می‌داند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۸۱). این دیدگاه را می‌توان هم‌راستا با باور برخی فقها دانست که معتقدند، علت تشریح احکام در غیر عبادات محضه، همان مصالح و مفاسدی است که در متعلقات احکام وجود دارد. ایشان سپس با استناد به روایت «النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ، وَ كَفَىٰ بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۸، ح ۴۹۷۰) نتیجه می‌گیرد که علت تشریح احکام مذکور در کلام شیخ انصاری^(۷)، همان جلوگیری از شهوت است (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲۹). در مقابل این دسته، برخی دیگر «پیش‌گیری از برانگیختن شهوت» را «حکمت» تشریح احکام پیش‌گفته می‌دانند (حسینی روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۲۱۱). به هر روی می‌توان نتیجه گرفت که «برانگیختن شهوت دیگران» امری ممنوع است و میان اینکه این امر از طریق صدای نازک حاصل شود یا پوشش محرک جنسی و یا... تفاوتی وجود ندارد.

اساساً اسلام، پیراستگی زن از «تزین» و «تبرج» را، یکی از شروط حضور وی در اجتماع می‌داند (فتاحی‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۷۰). آیه ۳۳ سوره احزاب با عبارت «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ»، صریحاً این مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد. برخی مفسران در معنای تبرج به «اظهار زینت نمودن» و «لباس نازک پوشیدن» اشاره کرده‌اند (القاسمی، ۱۳۹۸ق، ج ۱۳، ص ۳۴۹). همچنین رنگ‌های جنسی مانند رنگ قرمز، به خودی خود، کمابیش می‌تواند

۱. سوره احزاب (۳۳)، ۳۲.

رفتارها و نگاه‌ها را به سمت جنسی شدن سوق دهد؛ زیرا عموماً رنگ‌ها به صورت ذاتی، ویژگی‌ها و خصلت‌های متفاوتی دارند. برخی از آنها نشاط‌آور (تسرالناظرین)، برخی مُهیج و مُحرک و برخی نیز صامت است. از آنجا که اصل در ارتباط زن و مرد از منظر اسلام، عدم توجه مردان به آنهاست، استفاده نکردن از رنگ‌های تند و جذاب در پوشش (خصوصاً پوشش بانوان)، اهمیت فراوانی دارد (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵).

برخی اساساً در تعریف حجاب (پوشش) اسلامی می‌گویند: «آن است که زن، بدن و موهای سر خود را به جز قرص صورت و دو کف دست [از مچ به پایین] با لباس ساده، ضخیم و فراخ، از نامحرم بپوشاند و از آشکار کردن هرگونه زیور و زینت و زیبایی خود در برابر او پرهیزد.» (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۲۴) مطابق این قبیل تعاریف از پوشش اسلامی، اسلام نه تنها حدود و مقدار پوشش (کمیت) بلکه چگونگی و نحوه پوشش (کیفیت) را نیز تحدید و تبیین می‌کند. بدین ترتیب در نظام اندیشه فقهی شیعه، یکی از پوشش‌های ممنوع برای شهروندان مسلمان در سطح جامعه، پوششی است که غریزه جنسی افراد اجتماع را تحریک و تهییج کند.

۱.۲. پوشش مروج فرهنگ کفار

فقهای شیعه تشبه به کفار را عموماً (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ص ۹۰) و تشبه به پوشش خاص فرهنگ آنها^۱ را خصوصاً (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۴۷)، جایز نمی‌دانند.^۲ دو قاعده قرآنی «نفی سبیل»^۳ و «حرمت اعانه بر اثم»^۴ در کنار قاعده روایی

۱. پوشیدن کراوات، پاپیون و لباس‌هایی با مدل‌ها و تصاویر مخصوص به کفار که شعار و مروج فرهنگ آنان است نیز، در همین راستا قرار می‌گیرد.

۲. روایاتی به نحو ویژه، در خصوص نهی از لباس یا شیئی منقش یا مشعر به «صلیب» وارد شده است. برای نمونه: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳. نساء (۴)، ۱۴۱.

۴. مائده (۵)، ۲.

«حرمت تشبه به کفار»^۱ از مهم‌ترین مستندات حکم به حرمت پوشش بیگانگان غربی به شمار می‌رود. آیت‌الله خامنه‌ای از مراجع تقلید معاصر، پوشیدن لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شوند (مانند کراوات)، به طوری که پوشیدن آنها منجر به ترویج فرهنگ منحط غربی شود را، جایز نمی‌داند. وی معتقد است، پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند اگر «مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و یا باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد»^۲ دارای اشکال است و حتی در بعضی از موارد جایز نیست. در نظرات فقهی آیت‌الله خامنه‌ای آمده است که پوشیدن لباس‌های دارای حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، اگر مفسد اجتماعی در پی داشته باشد و یا عرفاً باعث ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی گردد، جایز نیست. براین اساس، وی پوشیدن لباسی که مثلاً تبلیغ و تشویق شراب روی آن وجود دارد را جایز نمی‌داند. علاوه بر عدم جواز پوشیدن لباس مروج فرهنگ غربی که دشمن فرهنگ اسلامی به حساب می‌آید، واردات و خرید و فروش این‌گونه لباس‌ها نیز جایز نیست (حسینی خامنه‌ای، اجوبة الإستفتائات، صص ۴۰۵-۴۰۳، سؤال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳).

ناگفته پیداست که این حکم به حرمت تا زمانی پابرجاست که لباس موضوع حکم، اختصاص به کفار و فرهنگ آنها داشته و عمومیت پیدا نکرده باشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۸). همچنین در تشخیص مصداق این‌گونه پوشاک (که مروج فرهنگ کفار، بیگانگان و غرب شمرده می‌شود)، همواره نوعی اختلاف طبیعی و

۱. برای نمونه: ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. در سیره و تاریخ فقها به ثبت رسیده است که همواره مستند به موازین شرعی، با پوشش‌هایی که استقلال سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی را در معرض خطر قرار می‌داد، مخالفت بوده‌اند. (نجفی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۹).

ناگزیر میان فقها وجود دارد (مولوی وردنجانی، ۱۴۰۱، ص ۶۷)؛ با این حال اما، اصل حکم حرمت در فقه امامیه مورد اتفاق است.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرگونه پوشش پوشاک کفار که واجد یکی از سه ویژگی تشبه به کفار، ترویج فرهنگ کفار و یا تضعیف‌کننده حکومت اسلامی در برابر کفار باشد (مانند پوششی که اقتصاد یا بینش آنان را تقویت و اقتصاد یا بینش مسلمانان را تضعیف می‌کند)، از منظر فقهی جایز نیست و یا حداقل با اشکال شرعی مواجه خواهد بود.

۱.۳. پوشش جنس مخالف

در منابع فقهی شیعه، پوشیدن لباس اختصاصی زن برای مرد و نیز پوشیدن لباس اختصاصی مرد برای زن در صورتی که عنوان تشبه بر آن صادق باشد، حرام است (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۵). شهید ثانی^(۵) در مقام شمارش مکاسب محرمة در بخشی می‌گوید: «و تزیین کل من الرجل و المرأة بما یحرم علیه کلبس الرجل السوار، و الخلخال، و الثیاب المختصة بها عادة. و یختلف ذلك باختلاف الأزمان و الأصقاع (البقاع) ... و کلبس المرأة ما یختص بالرجل، کالمنطقة و العمامة» (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۱۶) برخی در باب حرمت این پوشش، علاوه بر روایات قابل توجه وارده^۱ به حرمت پوشیدن لباس شهرت و همچنین حرمت «اذلال نفس» استدلال آورده‌اند (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۷۳).

مرحوم آیت الله بهجت^(۶) در بیان این مسئله می‌گوید: «پوشیدن لباس مخصوص زنان برای مرد، و همچنین پوشیدن لباس مخصوص مردان برای زن حرام است ... و نیز تزیین

۱. برای نمونه روایی مراجعه شود به: فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۲۳۵ و طبرسی، مکارم الاخلاق،

هریک از مرد و زن به زینت دیگری حرام است.» همچنین مرحوم صافی گلپایگانی^(ه) در حکم این موضوع اعتقاد دارد که «پوشیدن لباس مخصوص به مردها بر زن و لباس مخصوص به زن‌ها بر مردها حرام است.» (احمدی جلفایی، ۱۳۸۶، صص ۶۷-۷۲) نتیجه آنکه، یکی از پوشش‌های حرام در شریعت اسلامی که بر هر مسلمان پرهیز از آن واجب است، پوششی است که اختصاص به جنس مخالف او دارد.

۱.۴. پوشش شهرت

یکی دیگر از پوشش‌هایی که اسلام در خصوص آن نظر سلبی الزامی دارد، لباس شهرت است.^۱ لباس شهرت لباس (نامتعارفی) است که پوشیدن آن به خاطر رنگ، کیفیت دوخت، مندرس بودن یا علل دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر پوشیده شود، توجه مردم جلب و صاحب لباس انگشت‌نما شود (حسینی خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۲، دروس ۷۶ و ۷۵).^۲ برخی گفته‌اند: «منظور از لباس شهرتی که باید از آن اجتناب کرد، لباسی است که به قصد ریاکاری پوشیده شود و فرد بخواهد مثلاً بدین وسیله به زهد و وارستگی مشهور شود.» (اصولی و بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۷ و طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، صص ۴۶۸ و ۴۶۷) برخی نیز در تعریف این لباس به طور کلی آن را لباسی می‌دانند که با عرف جامعه انطباق ندارد (محمودی، ۱۳۸۸، ج ۳، صص ۱۷۰-۱۶۹).

از نظرگاه فقه جعفری، پوشیدن لباس شهرت جایز نیست. برخی آن را مطلقاً حرام (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، صص ۳۹۱ و ۳۹۰) و برخی دیگر احتیاط واجب (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۴۴) را در ترک آن دانسته‌اند. گروهی نیز حرمت را به هتک

۱. برای نمونه روایی مراجعه شود به: کلینی، الفروع من الکافی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۴۵ و حر عاملی، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۰۹.

۲. مراجعه شود به لینک مقابل: www.B2n.ir/n06601 و پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله صافی گلپایگانی (ره)، قابل مشاهده در لینک مقابل: www.B2n.ir/q96387

و سلبی اسلام

شخصیت و خواری شخص پوشاننده منوط کرده‌اند (سیستانی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۵۳). در این زمینه دیدگاه نادری آن را مکروه می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۶۳). از برخی فقها نقل شده که: «پوشیدن لباس شهرت حرام است و مقصود از آن لباسی است که عرفاً زننده است و از جهت زندگی انگشت‌نما باشد.» (صدر، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷) برای لباس شهرت مصادیق بسیاری را می‌توان برشمرد؛ از جمله اینکه لباس دارای رنگ، دوخت و جنسی باشد که موجبات بُهت و حیرت عموم مردم را فراهم آورد. شاید بتوان میان لباس شهرت و اصطلاح «تبرج» که بعضاً به «خودنمایی» ترجمه می‌شود نیز رابطه عام و خاص من‌وجه برقرار نمود؛ بدین صورت که برخی یا همه مصادیق لباس شهرت، نوعی خودنمایی محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که لباس شهرت می‌تواند در مورد هرکس و هر صنفی مصداق پیدا کند؛ چنانکه صاحب جواهر^(۵) پس از نقل قولی مبنی بر اینکه «تحت الحنک گذاشتن» در این زمان از مصادیق لباس شهرت شده است، می‌نویسد: «فینبغی أن یکون محرماً بناء علی حرمة الشهرة فی اللباس وإن کان فی الأصل مندوباً» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۸۲) برخی مراجع تقلید علی‌رغم اینکه چادر را حجاب و پوشش برتر دانسته و به آن توصیه فراوان می‌کنند،^۱ در اماکنی که تبدیل به لباس شهرت گردد، آن را ممنوع دانسته‌اند.^۲ مختصر آنکه اسلام، با لباس شهرتی که موجب جلب توجه دیگران شده و پوششی نامأنوس و ناسازگار با هنجارهای جامعه محسوب می‌شود، مخالف بوده و از آن نهی کرده است.

۱. بیانات آیت‌الله مکارم شیرازی در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۳ به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان، قابل مشاهده در

لینک مقابل: www.B2n.ir/u58843

۲. به نقل از مرکز پاسخ‌گویی به احکام شرعی و مسائل فقهی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی. قابل مشاهده در لینک

مقابل: www.B2n.ir/r13432

۱.۵. پوشش طلا و ابریشم برای مردان

فقه‌های شیعه تصریح می‌کنند که مطابق اجماع و ضرورت دین، استفاده از طلا (چه مستقلاً و چه به نحو آمیخته مانند لباس زربافت) برای مردان جایز نیست.^۱ همچنین پوشیدن لباس ابریشم خالص یا لباسی که آستر آن ابریشم خالص باشد برای مرد حرام است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۱۱۴). مرحوم امام خمینی^(ع) در «تحریر الوسيلة» می‌نویسد: «يعتبر في الساتر بل مطلق لباس المصلى... أن لا يكون الساتر- بل مطلق اللباس- من الذهب للرجال في الصلاة ولو كان حلياً كالخاتم ونحوه، بل يحرم عليهم في غيرها أيضاً... (و) أن لا يكون حريراً محضاً للرجال، بل لا يجوز لبسه لهم في غير الصلاة أيضاً» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، صص ۱۱۷ و ۱۱۶) در نمونه‌ای دیگر، شهید ثانی^(ع) در شرح بر «اللمعة الدمشقية»، ذیل مکاسب حرام می‌نویسد: «وتزيين كل من الرجل والمرأة بما يحرم عليه كلبس الرجل السوار... وتزيينه بالذهب وإن قل، و الحرير...» (عاملی جبعی (شهید ثانی)، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۱۶)

بر اساس فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی، تزین یا پوشیدن طلا برای مردان مطلقاً حرام است؛ خواه آشکار باشد یا پنهان، و نماز با آن نیز باطل شمرده می‌شود. از این رو حتی آویختن زنجیر طلا، هرچند زیر لباس و ناپیدا باشد، ممنوع است و حرمت آن اختصاصی به حالت نماز ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۰). وی همچنین پوشیدن ابریشم خالص را برای مردان حرام دانسته و بطلان نماز با آن را شامل مصادیق جزئی مانند عرقچین، بند شلوار و حتی آستر لباس می‌داند (همان، ص ۱۴۸). بنابراین، پرهیز از طلا و ابریشم خالص از الزامات فقهی پوشش مردان است.

۱. «لا يجوز لبس الذهب للرجل إجماعاً أو ضرورة» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، صص ۱۰۹، ۱۱۰).

۱.۶. پوشش زینت‌های آشکار و نپوشاندن آرایش‌ها

فقهای شیعه (برای نمونه: طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۳۱۷-۳۲۲ و بروجردی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۵۸) برآمده از کتاب^۱ و سنت^۲ اتفاق نظر دارند که زنان باید همه زینت‌ها و زیبایی‌های خود (جز آنچه آشکار است) را نپوشانند (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۴۹). از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مروی است که فرمودند: «در معراج زنی را دیدم که گوشت بدنش را می‌خورد و آتش از پایین او زبانه می‌کشید... زیرا بدن خود را برای مردم زینت می‌کرد.» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۴ و ۱۳)

زینت، هم به زیبایی‌های منفصل و هم به زیبایی‌های متصل اطلاق می‌شود. زینت‌های منفصل آنهایی است که مانند گردن‌بند، گوشواره، انگو و لباس‌های زینتی، به بدن آویخته می‌شود. در مقابل اما زینت‌های متصل به زینت‌هایی می‌گویند که نظیر لاک، سرمه، حنا و سایر موارد آرایشی به بدن متصل هستند و در فارسی به آنها آرایش گفته می‌شود. از این رو معادل زینت در زبان فارسی، دو کلمه زیور و آرایش است (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۴۵). هرچند آرایش پوشیدنی نیست و از آن جهت که صرفاً نپوشاندن آن لازم است، ذیل مبحث پوشش قرار می‌گیرد، اما زینت، علاوه بر آنکه نپوشاندن آن واجب است، خود نیز نوعی پوشش و پوشیدنی است و فرهنگ زبان، علی‌رغم عدم تداول گویشی، بر زیورآلات پوشش، و بر استفاده از آنها، پوشیدن اطلاق کرده است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۴۴۹). مرحوم امام خمینی^(ع) در پاسخ به استفتایی در این زمینه می‌نویسد: «اگر در صورت آرایش باشد باید پوشانده شود و بر مرد اجنبی نیز نگاه کردن جایز نیست و همچنین در کفین اگر زینت و لو مثل انگشتر باشد (که باید پوشانده شود)». وی حلقه ازدواج را نیز از زینت دانسته

۱. سوره نور (۲۴)، ۳۱.

۲. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴.

و اظهار آن را برای زن جایز نمی‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۳، صص ۱۵۷ و ۱۵۶). بنابراین یکی از پوشش‌های حرام، «پوشش آشکار زیورها» و «نیوشاندن آرایش‌ها» است. زیور و آرایش زنان، علی‌رغم آنکه پوشش به معنای معمول آن نیست، از آن جهت که ذیل نظام عام پوشش اسلامی قرار می‌گیرد، مشمول عنوان پوشش‌های سلبی خواهد بود. توضیح آنکه، منظومه فقهی پوشش اسلامی مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است و زیورآلات و آرایش‌ها از دو جهت پوشش بودن یا نبودن^۱ و همچنین لزوم پوشیده شدن یا نشدن^۲، ذیل مبحث پوشش سلبی قابل بحث است. بدین ترتیب، عنوان فوق‌الذکر در خصوص احکام پوشش سلبی اسلام یعنی زینت‌های و آرایش‌های آشکار مردان، اساساً از موضوع خارج است؛ چراکه اولاً، پوشاندن آرایش مردان (فارغ از حرمت و عدم حرمت آن) از بنیان، در فقه مطرح نیست. ثانیاً، پوشیدن زینت‌ها و زیورآلات حرام ذیل عناوین دیگری مانند «پوشش طلا و ابریشم»، «پوشش شهرت» و «پوشش لباس جنس مخالف» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برخی احکام فقهی خاص پوشش زنان، مانند «حرمت پوشیدن لباس زینتی برای زن در عده وفات (چه در مقابل دیدگان محارم و دیگر زنان و چه در مقابل دیدگان غیر محارم)» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، صص ۱۷۶-۲۸۰) نیز، به همین بخش قابل الحاق است.

۱.۷. پوشش تهیه شده از چرم غیر مذکی (نجس)

مطابق دیدگاه فقهی تمام مذاهب اسلامی و مبتنی بر دستور قرآن^۳، استفاده از

۱. مثلاً این مسئله که آیا موی مصنوعی یا لباس طلاکوب، پوشش کافی اسلامی محسوب می‌شود یا اینکه خود آن نیاز به پوشاندن دارد؟

۲. مثلاً این مسئله که آیا انگشتر یا خلخال باید پوشانده شود یا خیر؟

۳. سوره مائده (۵)، ۳.

و سلبی اسلام

پوست حیوانات نجس العین^۱ برای پوشش (هرچند دباغی شده باشد)، جایز نیست (ابن براج، المهدب، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۴۲ و مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، صص ۲۵۲ و ۲۵۱). در فقه امامیه، استفاده از پوششی که از پوست تذکیه و دباغی^۲ نشده حیوان حرام گوشت (غیر نجس العین) تهیه شده است (غروی تبریزی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۷۵) و همچنین استفاده از پوشش تهیه شده از حیوان مردار (حتی مرده حیوان حلال گوشت) را در نماز و غیر نماز جایز نمی داند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۵۰۵). منابع فقهی معمولاً در مباحث «طهارت»، «صلوات» و «صید و ذباحت» احکام مربوط به پوست حیوانات را مورد بررسی قرار می دهند. بدین ترتیب یکی از پوشش هایی که از منظر فقه اسلامی جایز نیست و مسلمانان باید از آن پرهیز کنند، پوششی است که از پوست حیوان نجس العین، غیر نجس العین دباغی نشده و حیوان مردار تهیه شده باشد.

۱.۸. پوشش ناقص^۳

هر پوششی که کم تر از میزان پوشش الزامی شرعی باشد، پوششی ناقص است. به عبارتی دیگر، پوشش اسلامی ناقص عبارت از پوششی است که نه به نحو کامل وجود دارد و نه به نحو کامل مفقود است. این نحوه پوشش بدون تردید از مصادیق ترک واجب و ارتکاب محرم به شمار می رود. پوشش ناقص و رها، از روشن ترین و بارزترین

۱. برخی مذاهب اهل سنت مانند حنفیه، پوست سگ را مشروط به دباغی استثنا و پاک دانسته اند. (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۹) فقهای شیعه اما، هرگونه دادوستد و کسب درآمد از راه خرید و فروش پوست سگ و خوک را حرام و معامله را باطل دانسته اند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۳)

۲. برخی از فقها دباغی را صرفاً مستحب و دباغی نکردن را صرفاً مکروه دانسته اند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۸۴).

۳. یکی از مراجع تقلید معاصر در بیان نظر خود پیرامون چادر (پوشش کامل بدن) می گوید: «حجاب اسلامی

مصادیق تبرج است که بانوان توسط نص قرآنی^۱ و روایی^۲ از آن نهی شده‌اند. اغلب مفسران تبرج را به معنای آشکار ساختن زینت و محاسن دانسته‌اند که معنایی اعم از بدن و زیورآلات دارد (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۱۸۰). یکی از مفسرین در معنای تبرج می‌گوید که به معنای «آشکار ساختن زینت و زیبایی‌ها برای مردان است، مانند اینکه زن، روسری بر سر کند اما آن را رها سازد و گردن، گوشواره و گردن‌بند وی نهان شود.» (الزحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۱۰) از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که فرموده‌اند: «جایز نیست زن مسلمان مقنعه و پیراهنی بپوشد که بدنش را نپوشاند.» این فرموده به صراحت از پوشش ناقص نهی نموده است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۸). در روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که فرمودند: «... شبی که به معراج رفتم، زنانی از امتم را دیدم که به سختی عذاب می‌شوند... اما آن زنی را که با موی سر آویزان کرده بودند، زنی بود که مویش را از نامحرم نمی‌پوشاند...» این گروه را می‌توان از افرادی دانست که نه برهنه و فاقد پوشش، بلکه دارای پوشش ناقص سر بوده‌اند (مراجعه شود به: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۶).

با شناخت حدود پوشش شرعی زنان و مردان، معنای پوشش ناقص یا بدحجابی روشن می‌شود. علت شمردن آن در زمره پوشش‌های سلبی این است که پوشش اسلامی یک نظام «بایدها و نبایدها» است؛ بنابراین حتی برهنگی یا پوشاندن صرف عورتین برای زن و پوشش ناقص عورتین برای مرد، چون در قلمرو «نباید» قرار می‌گیرد، نوعی پوشش منهی محسوب می‌شود. این عنوان، روی دیگر پوشش ایجابی است. گفتنی است که اگر مطابق برخی دیدگاه‌ها مقصود از زینت، «تمام بدن زن» یا «مواضع زینت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۵۶) دانسته شود، می‌توان «عنوان پوشش ناقص»

۱. «لَا تَبْرَجَنَّ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب (۳۳)، ۳۳)

۲. «شُرْئَاكُمُ الْمُتَبَرِّجَاتُ» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۳۱، ح ۱۳۴۷۸)

را نیز بخشی از عنوان ممنوعیت پوشش آشکار زینت‌ها یا همان وجوب پوشاندن زینت‌ها دانست.

۱.۹. پوشش حرام به حکم ثانوی

احکام شرعی در یک دسته‌بندی به احکام اولیه و احکام ثانویه تقسیم می‌شوند. احکام اولیه عبارت از احکامی است که بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه^۱ همچون اضطرار، و بدون در نظر گرفتن حالت شک و جهل مکلف نسبت به حکم واقعی، برای وی جعل می‌شوند؛ مانند حکم به وجوب وضو برای نماز. در مقابل احکام ثانویه به احکامی می‌گویند که به دلیل عارض شدن عناوین ثانویه و لحاظ آن، برای مکلف قرار داده می‌شود؛ مانند وجوب تیمم در صورت بروز عناوینی چون اضطرار یا عسر و حرج (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۲۵). بدیهی است که اولاً، با تحقق عناوین ثانویه، حکم ثانوی بر حکم اولی مقدم خواهد بود (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۴) و ثانیاً، حکم ثانوی نیز همچون حکم اولی از سوی شارع وضع شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۰۶ و جمعی از محققان، ۱۳۸۹، صص ۱۱۶ و ۱۱۵). بنابراین در فقه اسلامی ممکن است دایره کیفیت و کمیت یک حکم اولی ثابت، مقارن با عارض شدن عناوین ثانویه و اقتضای مصلحت، تغییر یافته و رو به توسعه و تضییق نهد. طبیعتاً احکام مربوط به پوشش را نیز نمی‌توان از این قاعده مستثنی دانست.

عناوین ثانویه می‌توانند احکام پوشش را از جهت ایجابی تغییر دهند؛ یعنی «میزان پوشش واجب» را افزایش دهند یا «نوع خاصی از پوشش» را متعین کنند. گاهی با تحقق عناوینی مانند اکراه، تقیه یا جلوگیری از اضرار به غیر، پوشاندن بخش‌هایی

۱. مراجعه شود به: مشکینی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۲۴، مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰۳، عمید زنجانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۷۳.

بیش از حد حکم اولی واجب می‌شود؛ مثلاً زن باید علاوه بر بدن، وجه و کفین و قدمین را هم بپوشاند یا مرد افزون بر عورتین، بخش‌هایی مانند ران و سینه را بپوشاند. فقها نیز تصریح کرده‌اند که پوشش زن جز وجه و کفین در صورت نبود تلذذ و ریبه است، اما با وجود آنها ستر واجب می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱۷). گاهی هم بدون افزایش مقدار، به حکم ثانوی نوعی پوشش مانند چادر واجب می‌گردد، در حالی که اصل انتخاب نوع و رنگ در حکم اولی آزاد است. آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «لَوْ تَوَقَّفَ صَوْنُ الْمَرْأَةِ عَلَى إِرْخَاءِ الْجَلْبَابِ لَوْجِبَ، کَمَا أَنَّهُ لَوْ تَوَقَّفَ عَلَى شَيْءٍ آخَرَ وَرَاءَ السِّتْرِ كَالْفِرَارِ وَنَحْوِهِ لَوْجِبَ أَيْضاً» (جوادی آملی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۲) می‌توان به پوشش اصنافی که اشخاص از ابتدا متعهد به رعایت لوازم و قواعد پوششی آن شغل شده‌اند، برای هر دو قسم پوشش ایجابی ناشی از عنوان ثانوی مثال زد. برای شخص نظامی یا آتش‌نشانی که مطابق قانون، متعهد و ملزم به پوشیدن لباس مخصوص این مشاغل (در زمان خاص) شده است، جایز نیست که در این پوشش از تعهدات و مقررات تخطی کند.

دومین جهت تأثیر عناوین ثانویه بر احکام پوشش، تأثیر سلبی و محل بحث است که برآمده از آن، مقدار و نوع پوشش واجب رو به کاهش گذاشته و با محدودیت‌ها و موانعی مواجه می‌گردد. برای تبیین این مدعا، می‌توان به عبارات شیخ طوسی^(۵) و محقق حلی^(۶) استناد کرد. هرچند محور اصلی این عبارات، احکام «نگاه» است، اما از آنجا که میان حکم نگاه و حکم پوشش - به ویژه در باب زنان - نوعی تلازم برقرار است، جواز یا عدم جواز نگاه غالباً دلالت‌های مستقیمی بر لزوم یا عدم لزوم پوشش خواهد داشت. شیخ طوسی با لحاظ عنوان ثانوی «اضطرار» تصریح می‌کند که نگاه نامحرم به زن، بدون حاجب و بدون سبب (ضرورت) جایز نیست؛ با این حال، در موارد ضرورت یا حاجت، جواز ثابت می‌شود؛ از جمله ضرورت‌های پزشکی (حتی تا

حد نگاه به عورت) یا مواردی مانند اثبات عیب در دعوی زوجین و نیز حاجت‌هایی چون شناسایی برای تحمل شهادت، ضرورت شناخت در معامله، و موارد قضایی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، صص ۱۶۱ و ۱۶۰). محقق حلی نیز علاوه بر «ضرورت»، عنوان «دفع ضرر» را نیز وارد کرده و بر قاعده «اقتصار به مقدار ضرورت» تأکید می‌ورزد؛ به نحوی که در موارد درمان، ناظر تنها به اندازه‌ای مجاز است که اطلاع بر آن برای رفع ضرر یا تحقق درمان لازم باشد (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۹۵). بر این اساس، با تحقق عناوین ثانویه، حکم اولی پوشش دگرگون می‌شود و ممکن است کاهش پوشش یا منع برخی اقسام پوشش، به عنوان حکم ثانوی، نتیجه گردد؛ در عین حال، حکم ثانوی منحصر به سلب نیست و می‌تواند ایجاباً نیز به الزام پوششی افزون بر حد متعارف بینجامد.

۱.۱۰. هرگونه پوشش ملازم با گناه^۲

مشی و مذاق شارع مقدس، اهتمام بیشتر به پوشش شهروندان و دور نگه داشتن آنان از فتنه و فساد و نگاه‌های هوس‌آلود (کلانتری، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱) و به طور کلی دور نگه داشتن افراد از امور و گناهان جنسی، خصوصاً در سطح جامعه است. در نگاه برخی فقهای شیعه، هرگاه بدن مرد در معرض نگاه آمیخته با تلذد باشد (مانند مردانی که به ورزش یا عزاداری می‌پردازند) پوشاندن بدن بر وی واجب است؛ چراکه از مصادیق «معاونت (یا اعانه) بر اثم» شمرده می‌شود (خویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵).^۳

۱. آیت‌الله خامنه‌ای بر این نظر است که: «قسمت‌های خاص بدن باید پوشیده باشد و نگاه به غیر آن قسمت‌ها اشکال ندارد. ولی گاهی همان‌جا هم حکم ثانوی بار می‌شود؛ زمانی که خانمی در معرض نگاه بد محرم خود قرار بگیرد یا احتمال دهد که محرمش نگاه بد دارد یا برای او تحریک‌آمیز باشد یا از نظر تربیتی مشکلی وجود داشته باشد باید آن مواضع را هم بپوشاند.»

۲. این عنوان با عمومیت خود، پوشش‌هایی مانند پوشش غصبی، پوشش مسروق و مانند آن را نیز در برمی‌گیرد.

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: شبیری زنجانی، سیدموسی، درس خارج فقه، مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۵ش؛ قابل

مرحوم صاحب عروه (ره) تصریح می‌کند که در صورت علم مرد به تعمد (و گرایش) زن در نگاه کردن به بدن او، پوشاندن بدن از باب حرمت همکاری در گناه (اعانه بر اثم) واجب خواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۹۵). نظیر این رویکرد در عبارات مرحوم امام خمینی^(ه) نیز به چشم می‌خورد.^۱

در منظومه فقهی - اخلاقی اسلام، مسلمانان مکلف‌اند پوششی ساده، متین و فراخ برگزینند و از لباس‌های تنگ و محرک اجتناب کنند (اکبری، ۱۳۹۶، ص ۴۰). این گزاره‌ها صرفاً توصیه اخلاقی نیستند؛ بلکه با وجود بار ارزشی، واجد عنصر الزام‌اند. تمایز فقه و اخلاق این نکته را روشن می‌کند: فقه تکالیف انسان را در حوزه‌های عبادی، اجتماعی، حقوقی و... بیان می‌کند و ناظر به رفتارهایی است که نسبت به انجام یا ترک آنها خطاب شرعی وجود دارد؛ در حالی که اخلاق رفتار را از حیث فضیلت و رذیلت و ارزش‌گذاری بررسی می‌کند. همچنین فقه بُعد عبادی و حقوقی را می‌کاود و اخلاق بُعد ارزشی را (شریفی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴). از این رو نهی از پوشش‌های مهیج، نهایتاً در قلمرو فقه قرار می‌گیرد.

مختصر آنکه، پوشیدن هر لباسی که موجب گناه خود فرد یا به گناه انداختن دیگران شود، جایز نیست. این عنوان همیشه صرفاً سلبی نیست؛ گاهی اگر کسی بداند پوشش معمول اسلامی برای جلوگیری از لغزش کافی نیست، مقدار بیشتری از پوشش بر او واجب می‌شود و در نتیجه پوشش کمتر حرام خواهد بود. هرچند بسیاری از

دسترس در لینک مقابل: <https://Bzn.ir/f66990>

۱. امام خمینی (ره) نیز در پاسخ به سؤالی درباره حد پوشیدگی زنان، تصریح می‌کند: «... بر زن واجب است تمام بدن خود را از نظر نامحرم بپوشاند ولی پوشاندن وجه و کفین لازم نیست؛ مگر آن که مفسده‌ای بر آن مترتب باشد.» وی در مسأله ۲۳ مبحث نکاح از کتاب «تحریر الوسیله»، در خصوص حدود شرعی پوشش مردان نیز می‌نویسد: «لا یجب علی الرجال التستر وإن کان یحرم علی النساء النظر إلیهم عدا ما استثنی، وإذا علموا بأن النساء یتعمدن النظر إلیهم فالأحوط التستر منهن». (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۵۷۹، سؤال ۱۰۱۱۸؛ همو، ۱۴۲۱ق، ص ۷۰۰)

و سلبی اسلام

پوشش‌های ممنوع مثل لباس شهرت، تنگ و محرک یا مروج فرهنگ غرب می‌توانند ذیل این معیار قرار گیرند، عنوان «لباس‌های ملازم با گناه» برای دربرگرفتن موارد خاص خارج از آن عناوین آمده است. نمونه‌اش شلوارک و آستین کوتاه برای مردان - حتی اگر محرک نباشد^۱. در صورتی است که به آفات تربیتی و هتک عفت عمومی بینجامد، یا لباس رنگی در ایام عزای اهل بیت اگر بی‌احترامی به شعائر تلقی شود. همچنین ممکن است لباسی نه محرک و نه شهرت و نه لباس کفار باشد، اما پوشنده بداند برای یک بیننده خاص تحریک‌آفرین است؛ مثلاً مبتلای فتنیسم^۲، نوعی پارافیلیا که در آن فرد با اشیای غیرزنده مثل لباس زیر یا کفش پاشنه بلند تحریک می‌شود.

بنابراین در فقه اسلامی، یکی از مصادیق پوشش سلبی، لباسی است که گناه و فساد را برای دیگران فراهم کند. این قاعده به پوشش محدود نیست و هر عامل فتنه‌انگیز در اجتماع ممنوع است. از این رو تلاوت قرآن اگر با تغنی و الحان موسیقی آمیخته و موجب تحریک به گناه شود، حرام است. امام خمینی^(ع) عقوبت تغنی به قرآن را شدیدتر می‌داند؛ ماوردی آن را از اشراط الساعه و ابن خلدون موسیقی را بیگانه از قرآن می‌شمارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۸۸؛ سعید، ۱۹۷۰م، ص ۴۵).

۲. ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در پرتو پوشش سلبی (منه‌ی) اسلام

با توضیحات تفصیلی پیش‌گفته، اکنون می‌توان از زاویه‌ای دیگر به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی نگریست. توضیح آنکه، محور اساسی ماده مذکور «جرم‌انگاری تظاهر به عمل حرام در جامعه» و تعیین مجازات برای آن است که تبعاً طیف

۱. به‌طورکلی مردان همواره براساس قاعده حرمت اعانه بر اثم (و یا حتی قاعده حرمت اشاعه فحشا) و حکم وجوب نهی از منکر، می‌توانند با محدودیت‌هایی در پوشش مانند لباس آستین کوتاه مواجه باشند. تشخیص تحقق این عناوین با فقیه است. (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۲ و کلانتری، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲)

گسترده‌ای از اعمال حرام را دربرمی‌گیرد. تبصره این ماده یعنی «جرم‌انگاری بدون حجاب شرعی ظاهرشدن زنان در جامعه» صرفاً به یکی از مصادیق تظاهر به حرام (ترک پوشش ایجابی و واجب) اشاره کرده و آن را از باب تأکید مورد توجه قرار داده و در مجازات نیز آن را متمایز ساخته است. با توجه به تفکیک پوشش اسلامی به ایجابی و سلبی، چند نکته ذیل این ماده قابل توجه خواهد بود:

نخست اینکه تبصره این ماده تنها پوشش ایجابی زنان و نه مردان را محل تصریح خود قرار داده است. بدیهی است مفهوم عام صدر این ماده بر جرم بودن تخطی مردان نیز از حداقل پوشش ایجابی اسلام دلالت دارد. بررسی آراء قضایی نیز نشان می‌دهد که به علت فقدان ماده قانونی خاص، عدم رعایت پوشش شرعی واجب توسط مردان، مستند به همین ماده قانونی جرم اعلام شده است. برای مثال دادنامه شماره (۱۳۹۱/۱۲/۱۵.۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۴۸۶)، برهنه شدن مردان در ملاعام را از مصادیق «جریمه دار کردن عفت عمومی» دانسته است.^۲

دیگر نکته اینکه، با تنقیح مناط می‌توان جرم بودن پوشش‌های ده‌گانه سلبی را نیز به تبصره ماده ۶۳۸ الحاق نمود و تمامی این موارد را نیز به استناد همین ماده مشمول مجازات دانست؛ چه آنکه «فقدان حجاب شرعی» ترک واجب و «پوشیدن پوشش‌های ده‌گانه سلبی»، ارتکاب حرام است و موضوع محوری ماده مزبور نیز ارتکاب حرام به‌شمار می‌رود. نمونه این برداشت را می‌توان در دادنامه صادره به شماره (۳۰۰۰۰۰۱ - ۹۱/۲/۱۸) در مرحله بدوی و (۰۰۲۲۲) در مرحله تجدیدنظر ملاحظه کرد که پوشیدن لباس زنانه توسط مردان و حاضر شدن در معابر و مکان‌های عمومی با

۱. مراجعه شود به: <https://B2n.ir/r59415>

۲. در این زمینه همچنین مواد ۱، ۲ و ۴ «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند» نیز قابل توجه است.

لباس زنانه را، مستند به ماده ۶۳۸ مشمول مجازات دانسته است.

نکته سوم و آخر نیز آنکه، توجه به بُعد سلبی پوشش اسلامی، نگاه تقنینی به حوزه پوشش را عمیق‌تر خواهد ساخت؛ زیرا اولاً، به این نکته توجه می‌دهد که بدحجابی امروزه بانوان (نپوشاندن کلیه مواضع واجب) که به نوعی در نظام حقوقی و عرفی کنونی، نوعی حجاب داشتن تلقی شده و مورد ایراد قرار نمی‌گیرد، خود از مصادیق پوشش‌های حرام و سلبی (پوشش ناقص) اسلام است که پذیرش آن با موازین شرعی سازگار نیست؛ از این رو منطقی به نظر نمی‌رسد که عملاً یکی از پوشش‌های منتهی را مصادق مراعات پوشش ایجابی تلقی کنیم. این خود از تناقضی حکایت می‌کند که توجه به آن ای بسا موجب خارج ساختن پوشش ایجابی از حوزه تقنین و الزام گردد. ثانیاً، توجه به بُعد سلبی پوشش اسلامی این واقعیت را عیان می‌سازد که همان‌گونه که ترویج فرهنگ اجتناب شهروندان از تمامی مصادیق پوشش سلبی توسط قانون و درون‌مایه‌های کیفری، با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو است و مقدمات فرهنگی بسیاری را نیاز دارد، پوشش ایجابی نیز چنین است و پیش از تمرکز بر بُعد قانون‌گذاری مجازات‌محور در این حوزه، باید در خصوص زمینه‌ها و انگیزه‌های فرهنگی آن تدبیری اندیشید. ثالثاً آنکه، اگر مبنای جدی لزوم تقنین در حوزه پوشش، هدف بودن «اجرا و تحقق کامل موازین دینی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۲۹۸، ج ۵، ص ۱۵۲، ج ۶، ص ۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۱۴) و «برپایی و اقامه دستورات و معنویات اسلام» (موسوی خمینی، ۱۳۹۷، ص ۷۳ و ۵۵) از تشکیل حکومت اسلامی است، باید این پرسش را مطرح نمود که آیا تمامی احکام پوشش - از جمله احکام سلبی - قابلیت الزام را دارند؟ اگر پاسخ منفی است، پس باید در خصوص پوشش ایجابی نیز پیش و بیش از الزام تقنینی، به راهکارهای فرهنگی اندیشید و مراعات آن را به حوزه باور و التزام شخصی مؤمنان واگذار نمود. این استنتاج البته نافی نقش دولت اسلامی

در وضع چارچوب‌های محدودیت‌آفرین درخصوص پوشش زنان و مردان در سطح اجتماع نیست؛ چه آنکه گاه ملاحظات فرهنگی برآمده از جامعه دینی، مستلزم ورود دولت به ساحت صیانت از هنجارها خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نظام فقهی پوشش اسلامی الزامی را می‌توان به دو بخش ایجابی (آنچه که باید باشد) و سلبی (آنچه که نباید باشد) تقسیم نمود. درباره پوشش الزامی ایجابی افراد دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که «پوشش کل بدن به استثنای وجه و کفین» برای زن و «پوشش نقاط شرمگاهی پس و پیش» برای مرد، دیدگاه عمده درخصوص حدود الزامی پوشش مکلفین است. پوشش سلبی افراد نیز، حسب کندوکاو صورت گرفته تحت ده عنوان «پوشش محرک جنسی»، «پوشش مروج فرهنگ بیگانگان»، «پوشش جنس مخالف»، «پوشش شهرت»، «پوشش طلا و ابریشم برای مردان»، «پوشش زینت‌های آشکار و نپوشاندن آرایش‌ها»، «پوشش تهیه شده از چرم غیر مذکی»، «پوشش ناقص»، «پوشش حرام به حکم ثانوی» و نیز «پوشش ملازم با گناه» قابل جای‌گذاری است که حوزه اجتماعی آنها می‌تواند ذیل موضوع «قاعده‌گذاری حکومت اسلامی در حوزه پوشش» مطرح گردد.

در پرتو نگاه جامع و کلان به نظام فقهی پوشش اسلامی مردان و زنان اعم از پوشش ایجابی و پوشش سلبی، می‌توان ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و به نتایجی دست یافت. اولاً، ماده مزبور که شاید مهم‌ترین هنجار قانونی عینی در حوزه الزام به پوشش اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، صرفاً به بعد ایجابی پوشش زنان اشاره نموده است و همین موجبات غفلت از بعد ایجابی پوشش مردان و بعد سلبی پوشش هر دو جنس را

و سلبی اسلام

فراهم می‌آورد. ثانیاً، با تأمل در متن ماده مذکور و «تنقیح مناط» و «الغای خصوصیت» می‌توان ماده کنونی را مشتمل بر منع تمامی ابعاد پوشش ممنوع اسلامی (اعم از پوشش سلبی و ترک پوشش ایجابی) دانست و برای صدور حکم بدان استناد جست. ثالثاً، با بررسی مصادیق پوشش سلبی اسلام، به دست می‌آید که بدحجابی خود یکی از مصادیق پوشش‌های حرام است و مقبول‌انگاری آن در عرف رایج اجرایی و حقوقی و حتی تقنینی، نادرست بوده و با مبانی اساسی الزام قانونی به پوشش اسلامی در تناقض است. و نکته اخیر و مهم‌تر آنکه، با در نظر داشت جنبه سلبی پوشش در اسلام و عدم امکان اجرایی الزام تمام موارد آن، می‌توان رویکرد واقع‌بینانه‌ای در خصوص تقنین کیفری در حوزه پوشش اسلامی (خصوصاً بعد ایجابی) و تقدم یا تأخر آن بر اقدامات فرهنگی عمیق و جدی حاصل نمود. با التفات به پوشش سلبی فقه امامیه، می‌توان در تقنین ایجابی نیز به واقع‌بینی بیشتر نزدیک شد و تحقق آن را مانند بعد سلبی، در گرو جرم‌انگاری قانونی ندید. لذا ای بسا بتوان ادعا کرد که برخی از احکام ایجابی مربوط به پوشش اسلامی، همانند برخی احکام سلبی آن، ماهیتاً نیازمند الزام حکومتی نیستند و شایسته است به حوزه باور و التزام شخصی مؤمنان واگذار شوند. با این حال، این امر به معنای نفی نقش دولت اسلامی نیست؛ زیرا دولت می‌تواند با توجه به ملاحظات فرهنگی جامعه اسلامی، چارچوب‌هایی از محدودیت‌های سلبی در پوشش زنان و مردان را اعلام و اجرا کند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. ابراهیم زاده، حسن. ۱۳۹۰. مسئله پوشش. تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. ۱۴۰۳ق. عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة. قم: مؤسسه سیدالشهداء(ع)، چاپ اول.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. بی تا. عیون اخبار الرضا(ع). تهران: جهان، چاپ اول.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۰۴ق. من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۵. ابن براج، عبدالعزیز. ۱۴۰۶ق. المهذب. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۶. احمدی جلفایی، حمید. ۱۳۸۶. احکام حجاب و عفت در گلستان مرجعیت. قم: زائر آستانه مقدسه، چاپ چهارم.
۷. اصولی، احسان، و محمد حسن بنی هاشمی خمینی. ۱۳۸۱. توضیح المسائل مراجع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
۸. اکبری، محمدرضا. ۱۳۹۶. حجاب زن مسلمان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.
۹. انصاری، مرتضی. ۱۴۱۵ق. کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۱۰. انوری، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن، چاپ اول.
۱۱. بروجردی، سید حسین. ۱۴۲۰ق. نهاية التقرير فی مباحث الصلاة. قم: مرکز فقه الائمة الطهار(ع)، چاپ سوم.
۱۲. بهجت، محمدتقی. ۱۳۷۷. رساله توضیح المسائل. قم: انتشارات شفق، چاپ شانزدهم.
۱۳. بیهقی، احمد بن حسین. ۱۴۲۴ق. السنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم.
۱۴. جمعی از پژوهشگران. ۱۳۸۷. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.
۱۵. جمعی از محققان. ۱۳۸۹. فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۴۰۵ق. کتاب الصلاة؛ تقریرات درس آیت الله محقق داماد(ره). قم: اسراء، چاپ اول.

و سلبی اسلام

۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۶ق. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۸ق. الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل). قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، چاپ اول.
۱۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۸۸. اجوبه الاستفتاءات. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ پنجاه و یکم.
۲۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. بی تا. رساله آموزشی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۱. حسینی روحانی، سید محمد صادق. ۱۴۱۳ق. فقه الصادق. قم: مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم.
۲۲. حسینی شیرازی، سید محمد. ۱۴۲۳ق. فقه العولمة. بیروت: مؤسسه المجتبی، چاپ اول.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۳۰ق. المبانی فی شرح العروة الوثقی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی، چاپ چهارم.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۱۰ق. محاضرات فی أصول الفقه. قم: انصاریان، چاپ اول.
۲۵. خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۳۰ق. موسوعة الامام الخوئی. تألیف میرزا علی غروی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی، چاپ چهارم.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى. ۱۴۱۸ق. التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج. دمشق: دارالفکر، چاپ دوم.
۲۷. سبزواری، سید عبدالاعلی. ۱۴۱۳ق. مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۲۸. سعید، لیبیب. ۱۹۷۰. التغنی بالقرآن. بیروت: هیئة المصرية العامة للتألیف و النشر، چاپ اول.
۲۹. سیستانی، سیدعلی. ۱۴۱۵ق. توضیح المسائل. قم: مهر.
۳۰. شریفی، عنایت الله. ۱۳۷۹. «فقه و اخلاق». قبسات، شماره ۱۵ و ۱۶: ۱۱۵-۱۲۶.
۳۱. شمس الدین، محمد مهدی. ۱۹۹۴. مسائل الحرجة فی فقه المرأة. بیروت: مؤسسه الدّولية للدراسات الإسلامیة، چاپ اول.
۳۲. صافی گلپایگانی، لطف الله. ۱۳۸۵. جامع الأحکام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (ره)، چاپ اول.
۳۳. صدر، شادی. ۱۳۸۹. مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران. تهران: کتاب نیلی، چاپ اول.
۳۴. طباطبایی حائری، سیدعلی. ۱۴۱۸ق. ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه

- آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ اول.
۳۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. ۱۴۲۸ق. العروة الوثقى مع تعليقات. تنظیم ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه الامام على بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۳۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. ۱۴۱۹ق. العروة الوثقى. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۳۸. طبرسی، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق. مکارم الأخلاق. قم: الشریف الرضی، چاپ اول.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۷ق. المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول.
۴۱. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. ۱۴۱۲ق. الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۴۲. عمید زنجانی، عباس علی. ۱۳۷۷. فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
۴۳. عمید زنجانی، عباس علی. ۱۳۹۸. قواعد فقه (بخش حقوق عمومی). تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۴۴. غروی تبریزی، علی. ۱۴۱۰ق. التنقیح فی شرح العروة الوثقى: کتاب الطهارة. تقریرات درس آیت الله خویی (ره). قم: دارالهادی، چاپ سوم.
۴۵. فاضل موحدی لنکرانی، محمد. ۱۴۲۶ق. توضیح المسائل. قم: امیرالعلم، چاپ اول.
۴۶. فتاحی زاده، فتحیه. ۱۳۹۷. حجاب از دیدگاه قرآن و سنت. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ یازدهم.
۴۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. ۱۴۰۶ق. الوافی. اصفهان: مكتبة الإمام أميرالمؤمنین (ع)، چاپ اول.
۴۸. القاسمی، محمد جمال الدین بن محمد. ۱۳۹۸ق. محاسن التأویل. تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۴۹. قرطبی، محمد بن احمد. ۱۴۰۵ق. الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵۰. کرکی، علی بن حسین. ۱۴۱۴ق. جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ

و سلبی اسلام

دوم.

۵۱. کلانتری، علی اکبر. ۱۳۹۱. فقه و پوشش بانوان. قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۹ق. الفروع من الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۵۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵۴. مجلسی، محمدتقی. ۱۴۰۶ق. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم.
۵۵. مجموعه من المؤلفین. ۱۴۰۸ق. الموسوعة الفقهية الكويتية. کویت: دارالسلاسل، چاپ دوم.
۵۶. محقق حلی، جعفر بن حسن. ۱۴۰۹ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: استقلال، چاپ دوم.
۵۷. محمودی، سیدمحسن. ۱۳۸۸. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج).
۵۸. مشکینی، علی. ۱۳۷۱. اصطلاحات الأصول. قم: نشر الهادی، چاپ پنجم.
۵۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتادوهشتم.
۶۰. مظفر، محمدرضا. ۱۳۷۰. اصول الفقه. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ چهارم.
۶۱. مغنیه، محمدجواد. ۱۴۲۱ق. الفقه علی المذاهب الخمسة. بیروت: دارالتیاریت جدید، چاپ اول.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۹. احکام خانواده. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۶ق. أنوار الأصول. تألیف احمد قدسی. قم: انتشارات نسل جوان، چاپ دوم.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰. بحوث فقهیه هامة. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۹ق. رساله توضیح المسائل. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ پنجاه و دوم.
۶۶. منتظری، حسین علی. ۱۴۱۵ق. دراسات فی المكاسب المحرمة. قم: نشر تفکر، چاپ اول.
۶۷. موسوی خمینی، سیدروح الله. ۱۳۶۹. استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.

۶۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ۱۴۲۱ق. تحریرالوسیله (تک جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول.
۶۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۸۹. صحیفه امام(ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۷۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ۱۴۲۲ق. کتاب الطهارة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول.
۷۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۹۷. ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ سی و یکم.
۷۲. مولوی وردنجانی، سعید. ۱۴۰۱. «واکاوی موضوع تشبه به کفار در پرتو فقه مقارن». پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، شماره ۲: ۵۹-۷۲.
۷۳. نجفی، محمدحسن. ۱۴۰۴ق. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۷۴. نجفی، موسی. ۱۳۷۸. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ ایران، چاپ اول.
۷۵. نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت(ع) لإحياء التراث، چاپ اول.

76. www.khamenei.ir

77. www.saafi.com

78. www.news.makarem.ir

79. www.ahkam.makarem.ir

80. www.eshia.ir